

## عوامل و موانع شناختی فقر فکری

مرضیه محمدی<sup>۱</sup>، طاهره ماهروزاده<sup>۲</sup>

### چکیده

قوه تفکر و تعقل، بزرگ‌ترین نعمت الهی ویژه انسان‌هاست و نقش و جایگاه ویژه‌ای در زندگی بشری دارد. قدرت تفکر برای انسان، شناخت و آگاهی بهارمغان می‌آورد و فرد را به انجام کارهای عاقلانه و آگاهانه وامی دارد. با این حال، گاهی قوه تفکر با عوامل مزاحمی مواجه می‌شود که مانع شناخت صحیح این نیرو در زندگی می‌شود. هر کس از قوه تفکر و تعقل خدادادی خود در راستای رشد، هدف‌گذاری صحیح و تلاش برای بهبود شرایط زندگی فردی و اجتماعی استفاده نکند یا به دلایلی قادر به استفاده از آن نباشد دچار فقر فکری خواهد شد. نوشتار حاضر با روشن توصیفی-تحلیلی و استناد به آیات قرآن کریم و روایات در صدد تبیین عوامل و موانع فقر فکری است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جهل، اعتماد به ظن و گمان و بی‌توجهی به قوه عاقله از عوامل فقر فکری هستند. همچنین، تبیین جایگاه تعقل و توجه به علم و یقین، مبارزه با جهل و نادانی، موانع فقر فکری در عرصه شناخت است.

**وازگان کلیدی:** تفکر، تفکر صحیح، عوامل شناختی، موانع شناختی، فقر فکری.

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Marzyeh-mohamadi@miu.ac.ir

ORCID: 0009-0004-8960-9695

۲. استادیار گروه قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه قم، ایران / پژوهشگر گروه تفسیر پژوهشگاه مطالعات اسلامی، جامعه الزهراء علیه السلام، قم، ایران.

Email: mahrozadeh@miu.ac.ir

ORCID: 0000-0002-2140-0885

## ۱. مقدمه

ریشه بسیاری از عوامل فقر فکری در این است که انسان به جای استفاده از ابزارهای درست و صحیح برای تفکر و شناخت به مسائلی روی می‌آورد که نه تنها تأثیری در دستیابی به حقیقت ندارند، بلکه حجابی برای آن است. گاهی تفکر انسان در اثر عواملی مانند جهل یا اعتماد به ظن و گمان دچار خطا و اشتباه می‌شود و بازدهی لازم را ندارد. مقاله حاضر با روشن تحلیلی- توصیفی، ابتدا به عوامل شناختی مختلط‌کننده فرایند تفکر و آفت‌های رشد و تکامل قوه تعلق می‌پردازد که باعث ایجاد شناخت و آگاهی نادرست از مسائل می‌شود. سپس، موانع فقر فکری و راهکارهای مقابله با این عوامل مانند ارتقای سطح علمی و آگاهی مردم، ریشه‌کن کردن جهل و برجسته کردن نقش علم، یقین، تعلق و تفکر در زندگی بررسی می‌شوند.

## ۲. عوامل فقر فکری در عرصه شناخت

عواملی مانند جهل و نادانی، اعتماد بر ظن و گمان و عدم بهره‌برداری از قوه عاقله، مانع شناخت عمیق امور شده و قوه تفکر را محدود و از شناخت حقایق محروم می‌کند. در نتیجه موجب فقر فکری در عرصه شناخت می‌شود.

### ۲-۱. جهل

جهل و نادانی از دیدگاه تعالیم اسلام، آفت شکوفایی استعداد انسانیت و ریشه همه شرور «الجهل أصل كل شر» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۳، ص ۷۳)، بزرگ‌ترین مصیبت «أعظم المصائب الجهل» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۷۳/۱)، زیان‌بارترین بیماری و خطرناک‌ترین دشمن است (لیشی واسطی، ۱۳۷۶، ۴۲/۱). تا این آفت ریشه‌کن نشود ارزش‌ها شکوفا نمی‌شود و انسانیت انسان و جامعه انسانی تحقق نمی‌یابد (محمدی‌ری شهری، ۱۳۷۸، ص ۲۶۰). در کتاب معروف العین آمده است: «العقل نقیض الجهل» و «الجهل نقیض العلم» (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۱۵۸/۸). در برخی کتاب‌های دیگر لغت نیز جهل در مقابل علم معنا شده است (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۹). با مراجعت به متون اسلامی، جهل، نیرویی در مقابل عقل است، هرچند اسلام با همه انواع جهل مذموم مبارزه

می‌کند، ولی خطرناک‌ترین جهل از نظر این مکتب، جهل در مقابل عقل است؛ یعنی انسان راهی را تبعیت کند که ضد عقل و مقتضای نیروی جهل است. این جهل راه شناخت معارف سازنده را مسدود و انسان را از آشنایی با حقایق والای انسانیت دور می‌کند. در این حال، اگر کسی از بزرگ‌ترین دانشمندان روی زمین هم باشد و دانش او برای سعادت و هدایتش سودی نبخشد بیماری جهل او را از پادرخواهد آورد: «و اضلہ اللہ علی علم» (جاثیه: ۲۳).

از دیدگاه دین اسلام به چنین دانشی نمی‌توان علم گفت، بلکه عین جهل و نادانی است و صاحبیش را نابود خواهد کرد. امام علی علیہ السلام در این مورد می‌فرماید: «کم من عزیز اذله جهله؛ چه بسیار عزیزی که نادانی اش او را خوار ساخت» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۷۶/۱). از دیدگاه اسلام، مفهوم جهل در مقابل عقل قرار گرفته و بیشترین توجه اش را نیز به مبارزه با همین نوع جهل متمرکز کرده است و به سایر مراتب آن به ترتیب اهمیت توجه دارد. سر چنین تقابلی آن است که اسلام، جهل در برابر عقل را امری وجودی و جهل در برابر علم را امری عدمی می‌داند. تقابل میان عقل و جهل در منابع اسلامی نشانه آن است که اسلام، جهل در مقابل عقل را خطرناک‌تر از جهل در مقابل علم می‌داند و تا این جهل ریشه‌کن نشود ریشه‌کن شدن جهل در مقابل علم برای جامعه سودی اساسی دربر نخواهد داشت و این نکته‌ای بسیار طریف و مهم است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۸، ص ۲۶۴ و ۲۶۵). پس اگر جهل در مقابل علم به کار رود به معنای نادانی است و اگر جهل در مقابل عقل استعمال شود به معنای عدم درک و فهم و عدم تفکر و تعقل است که نتیجه آن رفتار و اعمال نسنجدیده خواهد بود.

امام خمینی علیه السلام بر اساس حدیثی از امام صادق علیہ السلام که می‌فرماید: «این جهل اگر مرتفع بشود رنج‌ها مرتفع خواهد شد، اگر ببیند انسان که همه کار از اوست دیگر رنجی در کار نیست» به بررسی حقیقت جهل پرداخته و ۷۵ بیماری روحی انسان را از جهل می‌داند. ایشان برای مثال، صفاتی مانند شک، ناسپاسی، ناامیدی، حرص، دشمنی، غرور و... را از نادانی و جهل دانسته و تمام رنج‌هایی که بر بشر وارد می‌شود را از جهل می‌داند. (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ۴۷۱/۲۰) بنابراین، جهل یکی از مهمترین عوامل فقر فکری است؛ زیرا تفکر صحیح نیازمند

اطلاعات و آگاهی‌های درست و از پیش اندوخته است و تفکر یعنی، سیرکردن در بین معلومات حاضر برای رسیدن به مجھول و تازمانی که علم و آگاهی که ابزار لازم تفکر است وجود نداشته باشد، تفکر و تعقل نیز به ثمر نمی‌رسد.

## ۲-۲. تکیه بر ظن و گمان

اهل لغت برای ظن سه معنا بیان کرده‌اند: «معنای متضاد و دربردارنده معنای شک و یقین» (ابن منظور، ۱۴۰۸، ۲۸۱/۳)، به معنای اعتقاد ضعیف و غیرمستدل (مصطفوی، ۱۳۸۸، ۱۸۰/۱۳)، و نیز به معنای نشانه زمانی که این نشانه قوی باشد ظن به معنای یقین و وقتی ضعیف باشد ظن به معنای غیریقین است (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰، ص ۵۳۹). ظن در قرآن به معنای آن چیزی است که از خاطر می‌گذرد و بر قلب انسان غلبه یابد به‌طوری که طرف مقابل به‌کلی نفی نمی‌شود، بلکه احتمال آن نیز وجود دارد (شیخ طوسی، ۱۳۸۹، ۲۰۷/۱). در قرآن به دونوع ظن و گمان اشاره است: گاهی ظن به معنای گمان‌های معقول و موجه است که مبنای کار عقلادر زندگی روزمره قرار می‌گیرد و گاهی به معنای گمان‌های بی‌پایه و اساس است که براساس تعبیرات آیات شریفه، هم‌ردیف هوای نفس، اوهام و خرافات است. منظور از ظن و گمان در این مبحث همین معنای دوم است.

از آنجاکه دستیابی به یقین و تشخیص واقعیت همه چیز و همه امور در زندگی مستلزم توجه و تعقل و کاری دشوار و در برخی موارد غیرممکن است بیشتر مردم به‌دلیل غریزه راحت‌طلبی، پایه و اساس زندگی خود را بر پیروی از ظن و گمان بنا می‌کنند. بنابراین، در تشخیص حق و باطل و خیر و شر نمی‌توانند از اندیشه خود بهره‌مند شوند، پیروی از ظن و گمان را به ساحت تفکر و تعقل نیز سرایت می‌دهند و به جای پیروی از علم و یقین به ظن و حدسیات بسته می‌کنند. اگر اطلاعات و معلومات اولیه تفکر ضعیف باشد از واقعیت دور خواهند شد. به‌این‌ترتیب، در مواجهه با مسائل زندگی مجالی برای تفکر و تأمل باقی صحیح نمی‌گذارند در نتیجه باعث تضعیف قوه تفکر و تعقل می‌شود.

قرآن کریم در آیات زیادی به شدت با پیروی از ظن و گمان مخالفت کرده و بیان می‌کند که در شناخت واقع نباید به ظن و گمان اعتماد کرد: «و لاتقف ما لیس لک به علم؛ مادامی که به چیزی علم و یقین حاصل نکرده‌ای آن را دنبال مکن» (اسراء: ۳۶). این آیه از پیروی هرچیزی بدون داشتن علم و یقین به آن و تکیه بر ظن و گمان نهی می‌کند. ازین‌رو، الگوی شناخت در همه چیز علم و یقین است و غیر آن خواه ظن و گمان باشد یا حدس و تخمین یا شک و احتمال، هیچ‌کدام قابل اعتماد نیست. آنها که براساس این امور اعتقادی پیدا می‌کنند یا به قضاوت و داوری می‌نشینند یا شهادت می‌دهند و... برخلاف این دستور صریح اسلامی گام برداشته‌اند. به‌تعبیر دیگر نه شایعات می‌تواند مقیاس قضاوت و شهادت و عمل شود و نه قرائن ظنی و نه اخبار غیرقطعی که از منابع غیرموثق می‌رسد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴/۱۲، ۱۱۷).

پیروی از ظن و گمان به‌ویژه در مسائل اساسی زندگی و باورهای دینی، زیان‌های جبران ناپذیری دارد. خداوند در قرآن، پیروی از ظن و گمان را منشأ شرک دانسته و از آن نهی کرده است. درک حقیقت وجود خداوند و یگانگی او نیازمند تکیه بر علم و یقین است نه ظن و گمان. قرآن در پاسخ به مشرکانی که از روی پندارهای واهی، شرک خود را به اراده خدای متعال نسبت می‌دهند، می‌فرماید: «سیقول الذين أشركوا لو شاء الله ما أشركنا... إن تتبعون إلا الظن و إن أنتم إلا تخرصون» (انعام: ۱۴۸). در آیه دیگر می‌فرماید: «ألا إن الله من في السماوات ومن في الأرض؛ آگاه باش که هرچه در آسمان‌ها و زمین است از آن خداست و کسانی که غیر از خدا شریکانی را می‌خوانند اینان جز از گمان پیروی نمی‌کنند و جز تخمین زدن (کاری) نمی‌کنند» (یونس: ۶۶). قرآن در مسائل اساسی و اعتقادی از پیروی مصادیق دیگر ظن و گمان نیز بازداشته است و می‌فرماید: «يا أيها الذين آمنوا اجتنبوا كثيرا من الظن إن بعض الظن إثم؛ اى کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید؛ زیرا برخی گمان‌ها گناه است» (حجرات: ۱۲)؛ یعنی به بسیاری از مصادیق ظن و گمان عمل نکنید و آنها را ره‌آکنید مگر اینکه برهان و دلیلی قطعی و علم به واقع آنها ظاهر شود؛ زیرا در موارد ظنی، احتمال ارتکاب به گناه زیاد است و در این صورت سزاوار عقوبت الهی می‌شود (سبزواری، ۱۴۰۲، ۵۱۱/۶).

رسول خدا ﷺ فرمود: «ایاکم و الظن فان الظن اکذب الکذب؛ از گمان بپرهیزید که گمان بدترین دروغ است». (حرعاملی، ۱۴۲۱، ۳۸/۱۸) تکیه بر گمان و پندار، شایسته مؤمنین نیست؛ زیرا پیروی از ظن و گمان کار شیطان و انسان‌های شیطان صفت است و قبول خرافات و موهومات، نشانه انحراف و بی‌خردی آنهاست (ایازی، ۱۳۹۶، ص ۱۶۴). بنابراین، گمان‌های هستند که تعالیم دین، پیروانش را به شدت از آنها بازداشتی است؛ زیرا تکیه بر اماره‌های بی‌پایه و اساس هستند و درست و منطقی نیست که خدمندان از آنها در زندگی استفاده کنند. خداوند در سوره نجم می‌فرماید: «إِن يَتَبَعُونَ إِلَّا الظُّنُونَ وَ مَا تَهْوِي الْأَنْفُسُ؛ آنَّهَا تَنْهَا بِيَرْوَى إِذْ گمان وَ هَوَى نَفْسٍ مَّا كَنَّدُ» (نجم: ۲۳)؛ این گمان‌ها هم‌ردیف هوا نفسم، اوهام و خرافات است که احدهی را به حق نمی‌رساند (ابن عاشور، ۱۴۲۱، ۲۶/۲۱۱). «إِن الظُّنُنَ لَا يَغْنِي مِنَ الْحَقِّ شیئاً؛ گمان در (وصول به) حقیقت هیچ سودی نمی‌رساند، هرچند ظن قوی باشد (یونس: ۳۶)؛ فقط یقین است که انسان را حفظ می‌کند و نمی‌گذارد انسان اشتباه کند (مطهری، ۱۳۹۶، ص ۵۳). بسیاری از اشتباهات از این همین جاییدا شده است. قرآن این اصل را با صراحت بیان کرده است و می‌فرماید: «وَإِن تَطْعَمْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضْلُوكُ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِن يَتَبَعُونَ إِلَّا الظُّنُونَ وَإِن هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ؛ اگر از بیشتر کسانی که در روی زمین هستند، اطاعت کنی تو را از راه خدا گمراه می‌کنند؛ (زیرا) آنها تنها از گمان پیروی می‌کنند و تخمین و حدس (واهی) می‌زنند» (انعام: ۱۱۶). براساس بیان قرآن مجید بیشتر مردم دچار این بیماری پیروی از ظن و گمان هستند.

امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه می‌فرماید: «تَانْشَنُوی مَگُوشْنِیدَمْ، تَانْبِینَی مَگُوشْدِیدَمْ، تَانْدَانَی مَگُوشْدِانَتَمْ کَه از گوش و چشم و دل، همه پرسیده می‌شود. از گوش می‌پرسند چه شنیدی برای چه شنیدی. از چشم می‌پرسند چه دیدی و برای چه دیدی. از دل، چه دانستی و برای چه دانستی» (فیض‌الاسلام اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۸۳). ازین‌رو، پیروی و عمل براساس ظن و گمان، یکی از عوامل فقر فکری و یکی از مصارع عقل بشر است، هرچند ظنی که در صد احتمال، فقط یک احتمال خلاف در آن باشد.

### ۲-۳. بی توجهی به قوه عاقله

عقل زمانی موجب راهنمایی و شرافت انسان می شود که شخص از چنین قوه ای در زندگی اش استفاده کند تا بتواند با راهنمایی های آن، راه سعادت را بپیماید و اگر بنا شد که انسان عاقل و بشر متفسر به این قوه توجه نکند و عقل خود را به کار نیندازد و با تعقل و تفکر راه را از چاه تمیز ندهد مانند کسی است که بهترین چراغ را در اختیار دارد، ولی بی راهه راه می رود و بالاخره هم در چاه تاریکی و جهالت می افتد و سزای کفران نعمت الهی را می بیند. (رسولی محلاتی، ۱۳۸۸، ۶۶) چنین انسانی همانند کسانی است که چشمها آب حیات کنار دستشان است، ولی از تشنگی فریاد می کشند، درهای سعادت در برابر رویشان باز است، ولی حتی به آن نگاه نمی کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴۱/۱۲).

براساس بیانات قرآن اگر انسان ها به قوه تعقل و تفکر توجه نداشته باشند و آن را در زندگی خود فراموش کنند و از چراغ فروزان و راهنمایی های آن استفاده نکنند برای آنها قلب (عقل) های خواهد بود که با آن نمی فهمند: «لهم قلوب لا يفقهون بها» (اعراف: ۱۷۹)؛ یعنی با اینکه استعداد تفکر دارند و همچون بهائیم فاقد شعور نیستند، اما از این وسیله سعادت بهره نمی گیرند و فکر نمی کنند، در عوامل و نتایج حوادث زندگی خود اندیشه نمی کنند و این وسیله بزرگ رهایی از چنگال هرگونه بدختی را بلاستفاده در گوشه ای از وجودشان رها می کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۱/۱۲). «أولئك كالأنعام بل هم أضل؛ اينها در حقيقه همچون چهارپایانند» (اعراف: ۱۷۹).

امتیاز انسان نسبت به حیوانات در فکر، بینایی و شنوایی است. انسانی که این ویژگی ها را از دست دهد از حیوانات هم پست تر است. حیوانات به دلیل نداشتن عقل از غریزه برای رسیدن به کمال استفاده می کنند و در اعمال خود اختیاری ندارند، اما انسان ها با اختیار و تفکر به سوی کمال حرکت می کنند و زندگی آنها نباید فقط براساس غریزه باشد. به انسان ها هم قوه عقل عطا شده است و هم اختیار و راه هدایت و گمراهی نیز پیش روی آنها گذاشته شده است: «إنا هديناه السبيل إما شاكرا و إما كفورا» (انسان: ۳). انسان باید با آگاهی و اختیار خویش راه را

از بیراهه و سعادت را از شقاوت تمیز و تشخیص دهد و برای دستیابی به آن و آگاهانه گام برداشتن، چاره‌ای جزکمک گرفتن از عقل ندارد.

به نظر می‌رسد در قیامت انسان‌های زیادی برای نماز، روزه، حج و کسب مال محکوم نشوند و اگر هم بشوند گذشت‌هایی از آنها خواهد شد، ولی در دادگاه عقل، بیشتر مردم عالم محکوم هستند؛ زیرا این کلام خداوند که می‌فرماید: «بیشتر جهنمیان کسانی هستند که تفکر و تعقل نمی‌کنند»؛ «به‌یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم. آنها دل‌ها (عقل‌ها)‌یی دارند که با آن (اندیشه نمی‌کنند و) نمی‌فهمند و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند. آنها همچون چهارپایانند، بلکه گمراه‌تر. اینان همان غافلانند؛ زیرا با داشتن همه‌گونه امکانات هدایت بازهم گمراهند» (اعراف: ۱۷۹).

امام خمینی رهنماه اللہ علیہ و آله و سلم نیز عدم توجه به تفکر و تعقل در همه امور به ویژه در موضوعات و علوم دینی را از آفات تفکر می‌داند و باتکیه بر عقل و آگاهی وسیع از علوم دینی و درک عمیق و صحیح معارف الهی می‌توان به مبارزه با هرگونه خرافه پرداخت. ایشان عدم تفکر و تعقل را عامل هلاکت انسان در قعر جهنم می‌داند و می‌نویسد: «علامت جهنمی بودن آن است که دلی را که برای تفکه و تدبیر در آیات کریمه صحف تکوین و تدوین خلق فرموده از افق حیوانیت تجاوز نکند و به مقام انسانیت، لااقل که مقام تدبیرات عقلیه است، نرسد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۷، ص ۲۸۷).

کسانی که عقل را تعطیل کرده و آن را فقط در امور مادی به کار می‌گیرند در واقع این مسافر عالم ملکوت را در دنیای مادی حبس کرده‌اند و مستحق عذاب هستند. انسان، خلیفه خدا و آینه اسماء و صفات اوست. تعطیل کردن عقل یا استفاده از آن در امور مادی، گناه بزرگی است و باعث پوسیدگی آن می‌شود.

### ۳. موانع فقر فکری در عرصه شناخت

شناخت درک و آگاهی نسبت به یک موضوع یا پدیده از راه حواس، تجربه یا استدلال است. برای رسیدن به شناخت درست و رفع فقر فکری باید با جهل، گمان و بی‌توجهی به عقل مبارزه کرد. لازم است علم و آگاهی را افزایش داد و نقش تفکر و تعقل را در زندگی برجسته کرد.

### ۳-۱. مبارزه با جهل و نادانی

با نگاهی به آیات و روایات می‌توان دریافت که تعالیم دین اسلام پر از مبارزه با جهل و نادانی است. روح دین اسلام به طور کلی با جهل و نادانی ناسارگار است؛ زیرا اساس این دین بر علم و آگاهی بنا نهاده شده است. این نکته به ویژه در آغاز قرآن کریم با کلمه «اقرأ» مشهود است که همه پیروان را به صورت قاطع به کسب علم و دانش فرامی‌خواند. هدف اسلام، تبدیل جهل به علم و دانش است و تلاش می‌کند با تأکید بر علم، انسان‌ها را به کمال و سعادت برساند. اسلام هرگز نخواسته و نمی‌خواهد که عده‌ای نادان و جاهل را جذب و طرفدار خود کند. این دین، جهل را اولین دشمن و بزرگ‌ترین مانع بر سر راه پیشرفت و ترقی خود می‌داند. تأکید دین اسلام بر کسب علم است. پیامبر ﷺ فرمود: «تحصیل علم بر هر مسلمانی از زن و مرد و از هر قشری واجب است» (کلینی، ۱۳۶۵، ۸/۳۰). ایشان در جای دیگر فرمود: «از گهواره تا گور دانش بجویید و دانش کسب کنید، هرچند تا چین به دنبالش بروید» (مجلسی، بی‌تا، ۷/۶۷). امام علی علیه السلام فرمود: «علم و حکمت، گمشده مسلمان است، هرجا و به دست هر کسی آن را بیابد، برمی‌دارد» (دشتی، ۱۳۸۶). ده‌ها آیات و روایات دیگر هست که همگی بدون قید زمان و مکان و مسلمان بودن استاد به فraigیری علم و آگاهی تأکید می‌کند و تنها شرط این است که آن علم، درست و صحیح و براساس واقع و حقیقت باشد (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۱۷۰).

موضوع تأسف‌بار این است که مسلمانان آن‌گونه که باید در عرصه علم و آگاهی فعالیت نکردند. در این صورت باید بیگانگان از ماورای دریاها بیایند تا به تعلیمات عمومی کشورهای اسلامی پردازند و آنها را با علم و دانش آشنا کنند و از جهل و نادانی نجاتشان دهند. چنین وضعیتی مایه تأسف است که امت حضرت محمد ﷺ که سراسر تعلیماتش پر است از تشویق و ترغیب برای تحصیل علم و دانایی و پیروی دینی که (اسلام) پایه و اساسش علم و دانایی است غرق در جهالت و بدیختی به سر برند و پیروان مسیح علیه السلام آنها را به سرمنزل علم و روشنایی راهنمایی کنند. امام صادق علیه السلام یکی از اهداف اساسی امام حسین علیه السلام را مبارزه با جهل و گمراهی معرفی کرده است. ایشان در زیارت‌نامه اربعین می‌فرماید: «و بذل مهجه‌ته فیک

لیستنقذ عبادک من الجھاله و حیره الضلاله؛ او جان خود را در راه تو فدا نمود تا بندگانت را از جھالت و نادانی و گمراھی و سرگردانی برهاند» (قمی، ۱۳۹۲، ص ۸۶۳)؛ زیرا امت مسلمان در اثر جھل و گمراھی به جاھلیت برگشته بود و از اسلام، قرائت‌هایی داشتند که هیچ نسبتی به اسلام نداشت. نھضت امام حسین علیہ السلام نھضت زدودن اسلام از پیرایه‌ها و ارائه فهم و درک صحیح از اسلام حقیقی بود.

جوهر دین، بینایی و آگاهی است و اساس دینداری حقیقی بر تعلق و تفکر بنامی شود و هر آنچه آدمی در وادی بالاتر گام بردارد به مراتب والاتری از بندگی حقیقی دست می‌یابد که همه ارزش آدمی به میزان بندگی اوست: «و ما خلقت الجن و الإنس إلًا ليعبدون» (ذاریات: ۵۶). نخستین اصل بندگی، توحید است که در آن، تقلید و تعبد به هیچ‌وجه جایز نیست (مطھری، ۱۳۸۸، ص ۱۷۲)، بلکه باید از روی تفکر و تعلق و آگاهی باشد نه از روی جھل و کوردلی. از سوی دیگر، هیچ‌چیزی به اندازه نادانی و کوردلی، انسان را از حق و حقیقت دور نمی‌کند. بنابراین، انسان باید به پاس سپاسگزاری، از نعمت بزرگ عقل و دیگر ابزارهای شناخت همانند حواس که خدای متعال برایش ارزانی داشته است، استفاده کند و از جھالت و تاریکی رهایی یابد. امام علی علیہ السلام می‌فرماید: «العلم قاتل الجھل» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۲/۴۴). انسان همچنین باید در مجالس علم و معرفت علماء و عقلاً شرکت کند تا از علم و عقل آنها بهره برد. اسلام به علماء و دانشمندان دستور داده تا جاھلان را تحمل کنند و به آنها آموزش دهند. امام صادق علیہ السلام در این باره می‌فرماید: «خداوند از نادانان پیمان نگرفته که دانش بیاموزند، بلکه از عالمان پیمان گرفته که به نادانان بیاموزند؛ زیرا علم و دانش پیش از نادانی بوده است» (کلینی، ۱۳۶۵/۱، ۴۱).

### ۲-۳. تکیه بر علم و یقین

در اسلام، یقین به معنای باور قطعی، جایگاه والایی دارد و پیروان به تحصیل آن و عمل به مقتضای آن تشویق شده‌اند. یقین، هم عرصه شناخت را شامل می‌شود و هم عرصه عمل را. عمل به دانسته‌ها عامل رشد و تعالی انسان و عدم عمل به آن، نشانه خاموشی نور علم است.

(محمدخانی، ۱۳۹۳، ص ۵۹) عمل به علم و آگاهی، شکرگزاری و ادای زکات علم است و موجب فزونی آن علم می‌شود. پیروی از علم و یقین براساس فطرت بشر است. انسان با فطرت سالم در اعتقاد و عمل، همواره از علم و یقین پیروی می‌کند و به دنبال شک و گمان نمی‌رود. او به طور فطری به دنبال رسیدن به واقعیت است و می‌خواهد بالطمينان بگوید که حقیقت این است. این امر تنها با پیروی از علم و یقین محقق می‌شود؛ زیرا گمان، شک و وهم، چنین خاصیتی ندارند. قرآن کریم می‌فرماید: «و لا تقف ما ليس لك به علم إن السمع والبصر والفؤاد كل أولئك كان عنه مسؤولاً؛ و آنچه به آن علم نداری، پیروی مکن؛ زیرا گوش و چشم و دل، همه اینها مورد بازخواست قرار خواهد گرفت» (اسرا: ۳۶). به چیزی که علم به صحت آن نداری، معتقد مشو و چیزی را که نمی‌دانی، مگو و کاری را که علم بدان نداری، مکن؛ زیرا همه اینها پیروی از غیر علم و یقین است. پیروی نکردن از ظن و گمان و پیروی از علم و یقین در حقیقت حکمی است که فطرت خود بشر آن را امضا می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۲۶/۵). نهی از پیروی از غیرعلم، معنی وسیعی دارد که مسائلی اعتقادی، گفتار، شهادت، قضاؤت و عمل را شامل می‌شود. برخی از مفسران آن را به بخشی از این امور محدود کرده‌اند که دلیل روشنی ندارد.

در پایان آیه می‌فرماید: «إِن السمع والبصر والفؤاد كل أولئك كان عنه مسؤولاً؛ گوش و چشم و قلب (عقل) انسان همه مسئول است و از آنها و چگونگی عملکرد و دست آوردهایشان سؤال خواهد شد و آنها هم به نفع و یا ضرر آدمی شهادت می‌دهند چنان‌که خود قرآن فرمود: «و تكلمنا أيديهم و تشهد أرجلهم بما كانوا يكسبون». (یس: ۶۵) در اسلام، زندگی خداپسند و سعادتمند برپایه علم و یقین است نه حدس و گمان و شایعه. خداوند ابزار شناخت را در اختیار همگان قرار داده و انسان در برابر آنها مسئول است. علم و یقین، فرد و جامعه را در برابر فریب‌ها، تقلیدهای کورکورانه، خطاهای و فتنه‌ها بیمه می‌کند؛ زیرا بسیاری از مشکلات و فتنه‌ها ناشی از توهمات، باورهای غلط، قضاؤت‌های جاهلانه و سوءظن‌ها هستند که ریشه در عدم علم و آگاهی دارند. بنابراین، براساس دستور صریح قرآن کریم: «و لا تقف ما ليس لك به علم» (اسراء: ۳۶) باید به طور مداوم، عواقب دردناک پیروی از غیرعلم را به مردم گوشزد کرد و از آنها خواست

### ۳-۳. تبیین جایگاه تعلق و تفکر

یکی از امتیازات ویژه و اختصاصی دین اسلام که همه دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان درباره آن اتفاق نظر دارند اهمیت دادن به قوه تعلق و تفکر است. در ادیان دیگر اشاره‌های صریح و یا ضمنی به قوه تفکر شده است، اما چنین اشاراتی را در قالب مطالب فرعی در نظر گرفته است و حتی گاهی خواننده به عیب جویی از عقل برمی خورد و یا عقل، سرچشمۀ لغزش‌هایی در زمینه عقاید و دیگر مسائل و موضوعات مطرح شده است. (رسولی محلاتی، ۱۳۸۸، ص ۶۴) در آموزه‌های دین اسلام از عقل جز در مقام تعظیم، تکریم و توجه یاد نمی‌شود و بر لزوم عمل براساس عقل و مراجعه به آن تأکید شده است. به همین دلیل، پرداختن به مبحث تعلق و تفکر در اسلام به یک آیه و یا یک و دو روایت محدود نمی‌شود، بلکه در بسیاری از آیات و روایات با عبارت‌های مختلف و در قالب یک فریضه بسیار مهم و اساسی به عقل اشاره شده است. به دلیل اهمیت و جایگاه تعلق و تفکر در قرآن، بیش از ۱۳۰ بار به طور مستقیم و بیش از ۳۰۰ مورد به طور غیرمستقیم با عبارت‌های گوناگون مانند تفکر، تعلق، تدبیر، لب و ... به آن اشاره است. با آنکه در برخی آیات از صاحبان اندیشه تعریف و تمجید می‌کنند (زمر: ۹).

امام خمینی رهنماهی درباره اهمیت و جایگاه تفکر می‌فرماید: «از برای فکر، فضیلت بسیار است و تفکر، مفتاح ابواب معارف و کلید خزانی کمالات و علوم است و مقدمه لازمه حتمیه سلوک انسانیت است و در قرآن و احادیث، تعظیم بلیغ و تمجید کامل از آن شده است». (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۱) تفکر و تعلق، بنیاد و پایه‌های رشد مادی و معنوی انسان است، بلکه تفکر زیربنای حیات انسانی است و انسان را از سایر موجودات ممتاز می‌کند. تفکر، انسان را از مرحله احساس به مرحله عقلانیت و از مرتبه حیوانی به مقام انسانی تعالی می‌دهد. تفکر، روح

که در آثار شوم آن بیندیشند. باید سطح رشد فکری را بالا برد؛ زیرا پیروی از غیرعلم، کار افراد ساده‌لوح و ناآگاه است. اگر این برنامه قرآنی به طور دقیق در جامعه اجرا شود بسیاری از نابسامانی‌ها که از شایعه‌سازی، جوسازی، قضاوتهای عجولانه، گمان‌های بی‌اساس و اخبار مشکوک نشأت می‌گیرند ازین خواهند رفت.

ماورایی انسان را بیدار ساخته و آن را به پرواز درمی‌آورد. تفکر و تعقل صحیح، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، عامل تکامل انسان و بازدارنده او از انحرافات و گناهان است و همچون آئینه صاف، نشان‌دهنده زیبایی‌ها و زشتی‌های است. امام صادق علی‌الله‌عاصم فرماید: «الفکر مرآه الحسنات و کفاره السیئات» (مجلسی، بی‌تا، ۳۲۶/۷۱).

### ۳-۱. تفکر، بهترین عبادت

تفکر مورد تأکید در اسلام، تفکری است که در راستای رشد و تعالیٰ معنوی انسان باشد. این نوع تفکر آن قدر ارزشمند است که بهترین عبادت خداوند نامیده شده است. عبادتی ارزشمند است که معلول تفکر و تعقل باشد؛ یعنی عبادت از روی معرفت و شناخت باشد. قرآن این نوع عبادت و بندگی را به زیباترین شکل بیان می‌کند. «إِنْ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْخَلْقَ الْأَلْيَاتِ لِأُولَى الْأَلْبَابِ، الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقَعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبُّنَا مَا خَلَقَ هَذَا بَاطِلًا سَبَحَانَكَ فَقَنَا عَذَابَ النَّارِ؛ حَقًا كَه در آفرینش آسمان‌ها و این زمین و آمدورفت شب و روز نشانه‌هایی است (از قدرت و علم و حکمت خدا) برای صاحبان عقل و خرد ناب. آنان که خدا را ایستاده و نشسته و (خفته) بر پهلوهای خود یاد می‌کنند و در (اسرار) آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند (واز ته دل یا توأم با زبان می‌گویند) پروردگارا، این (دستگاه عظیم) را بیهوده نیافریدی، تو (از کار بیهوده و باطل) منزه‌ی، (ولابد برای هدف والای تکلیف ذوی العقول و حصول استحقاق ثواب و عقاب در دنیا و فعلیت آن در آخرت است)، پس ما را از عذاب آتش نگاه دار». سرانجام تفکر حقیقی و هدفمند، عبادت و عبودیت خداست و عبادت بدون تفکر، ارزش و سودی ندارد.

تفکر در احادیث بسیاری تکریم شده است که موجب ارتقا و تعالیٰ روحی و معنوی انسان می‌شود و به معرفت او می‌افزاید و او را از تاریکی به روشنایی هدایت می‌کند. این همان تفکر بالنده‌ای است که منتهی به تکامل می‌شود و انسان را از حالت ایستایی به تکاپو و حرکت درمی‌آورد. چنین تفکری، حتی به اندازه یک ساعت در احادیث بهتر از یک سال عبادت یا بهتر از هفتاد سال عبادت دانسته شده و این‌گونه تفکر، معیار ارزشمندی عبادت شمرده شده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «تفکر ساعه خیر من عباده سنه» (عیاشی، ۱۳۸۰، ۲۰۸/۲). امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لا عباده کالتفکر» (کلینی، ۱۳۶۵، ۱۸/۳). اعتبار و ارزش عبادت به تفکر و به کار انداختن قوه عاقله است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «ألا لا خير في عباده ليس فيها تفكير؛ بدانيد عبادتى كه تفكير در آن نباشد خير در آن نیست» (کلینی، ۱۳۶۵، ۴۴/۳).

اسلام به تفکر بها می‌دهد؛ زیرا تفکر انسان را نسبت به همه امور زندگی آگاه می‌کند، حکمت مسائل را می‌فهماند، به حرکت انسان سمت و سوی معرفتی می‌دهد، او را متوجه خود و خالقش می‌کند، به تکالیفیش آشنا می‌سازد، عظمت خدا را به او می‌شناساند و او را به اطاعت و انجام اعمال نیک و امی دارد. تفکر، دل‌ها را نورانی می‌کند و به سوی حق راهنمایی می‌کند. تفکر به همه عبادات، اعتقادات و اعمال انسان ارزش می‌دهد و روح عبادت را که همان بصیرت و معرفت است به آن می‌بخشد. تفکر یعنی، عبادت عاقلانه. به همین دلیل، بسیاری از بزرگان بیشتر وقت خود را به تفکر می‌گذرانند و از این راه به عبادت خدا مشغول بودند. در احوالات لقمان حکیم آورده‌اند که بسیار تنها می‌نشست و فکر می‌کرد و این‌گونه گوشه‌نشینی را دلیل شکوفایی و بهتر به کار انداختن فکر و راهنمای بهشت می‌دانست. (غزالی، ۱۳۹۲، ۴۱۱/۴) امام صادق علیه السلام درباره احوالات ابازر غفاری، صحابی بزرگوار پیامبر اسلام علیه السلام فرمود: «کان اکثر عباده ابی ذر خصلتین: التفکر و الاعتبار؛ بیشتر عبادت ابوزر، تفکر و اعتبار بود» (حرعاملی، ۱۴۲۱، ۱۹۷/۱). معنای این احادیث این است که بدون عبادتی که بدون معرفت و آگاهی و بدون تعقل و تنبه باشد، ارزشی ندارد. تفکر است که باعث می‌شود همه عبادات انسان با معرفت انجام شود. تفکر، یکی از اساسی‌ترین محرک‌های انسان برای بیداری و تحریک انسان در سیر اصول انسانی است. (موسوی تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۸)

#### ۴. نتیجه‌گیری

جهل به دو معنای کلی بیان شده و با هردو معنایش می‌تواند زمینه تضعیف قوه تفکر را در پی داشته باشد؛ زیرا تفکر و تعقل منوط به داشتن ابزاری مانند عقل و علم است. از این‌رو، جهل یکی از عواملی است درک و شناخت قوه تفکر را با رکود مواجه می‌کند و علم و آگاهی، یکی از ابزار

ضروری درست اندیشیدن است. از طرفی دین اسلام، دین علم و دانایی است، پس بر هر مسلمانی لازم است برای تحصیل علم و معرفت و نشر آن کمر همت بندد. پیروی از ظن و گمان در مواجهه با مسائل زندگی مجالی برای تفکر و تأمل درست باقی نمی‌گذارد و مانع تشخیص خیر و شر می‌شود؛ زیرا اگر اطلاعات و معلومات اولیه تفکر ضعیف باشد فرایند تفکر را از شناخت واقعیت دور می‌کند. اعتماد به گمان و پندار سبب بروز مشکلات عدیده دیگری در زندگی افراد می‌شود. به همین دلیل، در دستورات دین به شدت از پیروی ظن و گمان منع و در همه امور زندگی به استفاده از علم و یقین فراخوانده شده است.

بی‌توجهی به قوه عاقله، یکی از عوامل فقر فکری است که مانع از جولان قوه تفکر و تعلق می‌شود. برخی افراد با اینکه استعداد تفکر دارند، اما از این وسیله سعادت بهره نمی‌برند و آن را در گوشه‌ای از وجود خود بلاستفاده رها می‌کنند. این بی‌توجهی در نهایت به فقر فکری افراد در عرصه شناخت منجر می‌شود. در حالی که بزرگ‌ترین نعمت خداوند متعال به انسان، همین عقل است. این نیروست که به تمام کارهای انسان ارزش می‌دهد و موجب تصمیم‌گیری‌های آگاهانه می‌شود. بنابراین، برای دستیابی به شناخت و معرفت صحیح باید نقش قوه تفکر و تعلق را در زندگی تبیین و بشر را به استفاده از این قوه ترغیب کرد.

## فهرست منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- نهج البلاغه (۱۳۸۶). مترجم: دشتی، محمد. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۱. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۱). التحریر و التنویر. بیروت: مؤسسه التاریخ.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربي.
۳. ایازی، سید علی نقی (۱۳۹۶). موانع تفکر در فرایند پیشرفت براساس آیات و روایات. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴. بروزونی، حبیب‌الله (۱۳۹۰). اخلاق در قرآن. مشهد: امید مهر.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). غرر الحكم و درر الكلم. محقق: رجایی، سید مهدی. قم: دار الكتاب الاسلامی.
۶. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۱). وسائل الشیعه. تصحیح: ربانی شیرازی، عبدالرحیم. بیروت: دار الاحیاء.
۷. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۳۹۰). مفردات الفاظ القرآن. قم: دفتر نشر نوید اسلام.
۸. رسولی محلاتی، سید هاشم (۱۳۸۸). مبارزه با گناه. تهران: انتشارات شمیم یاس ولایت.

٩. سبزواری، محمد (١٤٠٢). الحدید فی تفسیر القرآن المجید. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
١٠. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (١٤٠٤). الدر المنشور فی تفسیر المأثور. قم: کتابخانه آیت‌الله موعشی نجفی.
١١. طباطبایی، سید محمد حسین (١٤١٧). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
١٢. طوسی، محمد بن حسن (١٣٨٩). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربي.
١٣. عیاشی، محمد بن مسعود (١٣٨٠). تفسیر العیاشی. تهران: چاپخانه علمیه.
١٤. غزالی طوسی، محمد بن محمد (١٣٩٢). احیاء علوم الدین. بیروت: دارالکتاب العربي.
١٥. فراهیدی، خلیل بن احمد (١٤١٠). العین. محقق: مخزومی، مهدی.. و سامرایی، ابراهیم. قم: دارالهجره.
١٦. فیض الاسلام اصفهانی، سید علی نقی، و خوش‌نویس، طاهر (١٣٧٧). ترجمه و شرح الصحیفه السجادیه. تهران: فقیه.
١٧. قمی، عباس (١٣٩٢). مفاتیح الجنان. قم: دانش.
١٨. کلینی، محمد بن یعقوب (١٣٦٥). اصول کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
١٩. الیثی واسطی، علی (١٣٧٦). عیون الحكم و الموعاظ. قم: دارالحدیث.
٢٠. مجلسی، محمد باقر (بی‌تا). بحار الانوار. بیروت: الوفاء.
٢١. محمدخانی، زینب (١٣٩٣). نقش علم و ایمان در خودسازی از دیدگاه قرآن. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی حجت‌الله.
٢٢. محمدی ری‌شهری، محمد (١٣٧٨). خردگاری در قرآن و حدیث. مترجم: مهریزی، مهدی. قم: دارالحدیث.
٢٣. مصطفوی، حسن (١٣٨٨). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
٢٤. مطهری، مرتضی (١٣٨٨). ٥٥ گفتار. تهران: صدرا.
٢٥. مطهری، مرتضی (١٣٩٦). شناخت از منظر قرآن. تهران: صدرا.
٢٦. مکارم شیرازی، ناصر.. و همکاران (١٣٧٤). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
٢٧. موسوی تبریزی، سید محسن (١٣٨١). تقوی و اخلاق قرآنی. قم: مؤسسه فرهنگی و نشر نور علی نور.
٢٨. موسوی خمینی، روح‌الله (١٣٨٦). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی حجت‌الله.
٢٩. موسوی خمینی، روح‌الله (١٣٧٧). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی حجت‌الله.
٣٠. موسوی خمینی، روح‌الله (١٣٨٥). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی حجت‌الله.